



مای دارس
درس هفتم

گروه آموزشی عصر

آداب میکان

www.my-dars.ir

لحن: بخش اول درس، لحنی روایی دارد که با با فراز و فرود گفت و گوهای متن و کشش‌ها و درنگ‌های هر جمله همراه است. بخش دوم نیز لحن روایی و تعلیمی دارد.

نوع نثر: نثری ساده و روان دارد. **موضوع درس:** فرا گرفتن آداب و رفتار زندگی.

آورده‌اند که شیخ جنید بغدادی، از عارفان قرن سوم هجری، از شهر بیرون رفت و مریدان از پی او می‌رفتند. شیخ از احوال بهلول پرسید. مریدان گفتند: «او مرد دیوانه‌ای است و تو را با او چه کار؟» گفت: «او را طلب کنید که مرا با او کار است.» او را در

صحرايي يافتند و شيخ را پيش او بردند. شيخ سلام كرد، بُهلول جواب سلام او را داد. فرمود: «تويي شيخ بغداد كه مردم را ارشاد مي كني؟» عرض كرد: «آري» بُهلول فرمود: «باري، طعام خوردن خود را مي داني؟» عرض كرد «اول» بسم الله» مي گوييم، از پيش خود مي خورم. لقمه كوچك برمي دارم.» بُهلول برخاست و فرمود: «تو مي خواهي مرشد خلق باشي، در صورتي كه هنوز طعام خوردن خود را نمي داني؟» و به راه خود رفت. پس مريدان شيخ را گفتند: «يا شيخ، اين مرد ديوانه است.»

واژه‌هاي مهم: آورده‌اند: نقل کرده‌اند، حكايت کرده‌اند/ مريدان: شاگردان، پيروان/ از پي او مي رفتند: پشت سر او مي رفتند، به دنبال او مي رفتند/ طلب: جستجو/ ارشاد: راهنمائي، به راه راست هدايت كردن/ طعام: غذا/ عرض كرد: گفت/ مرشد: هدايت كننده، راهنما/ خلق: مردم.

دانش زباني: تو را با او چه كار: «را» به معنای حرف اضافه است/ تويي: يعني تو هستي (ي) نشانه فعل اسنادي است/ آري، باري، يا شيخ: شبه جمله و هر کدام يك جمله كامل محسوب مي شوند/ شيخ را گفتند: را به معنای حرف اضافه «به» و شيخ نقش متمم دارد.

معنا و مفهوم برخي از عبارتهای مهم: مريدان از پي او مي رفتند: يعني شاگردان به دنبال او مي رفتند/ او را طلب كنيد كه مرا با او كار است: يعني او را بخواهيد و پيدا كنيد كه من با او كار دارم/ از پيش خود مي خورم: يعني از سمت و طرف خودم (آنچه جلوي دستم است) مي خورم.

شيخ در پي او روان شد و گفت: «مرا با او كار است.» چون بُهلول به ويرانه‌اي رسيد، باز نشست. جُنيد به او رسيد. بُهلول پرسيد: «آيا سخن گفتن خود را مي داني؟» عرض كرد: «آري، به قدر مي گوييم و و بي موقع و بي حساب نمي گوييم. به قدر فهم مستمعان مي گوييم و...». بُهلول گفت: «چه جاي طعام خوردن كه سخن گفتن هم نمي داني!»؛ پس برخاست و برفت.

واژه‌هاي مهم: ويرانه: خرابه/ به قدر: به اندازه/ مستمعان: شنوندگان، گوش دهندگان.

نکته‌های ادبی: شيخ در پي او روان شد: كنايه از به دنبال او رفتند.

دانش زباني: آري: شبه جمله و در شمارش تعداد جملات يك جمله كامل به حساب مي آيد.

معنا و مفهوم عبارتهای مهم: به قدر مي گوييم و بي موقع و بي حساب نمي گوييم، به قدر فهم مستمعان مي گوييم: يعني بله، به اندازه سخن مي گوييم و نابجا و نسنجیده صحبت نمي كنم و به اندازه درك و فهم شنوندگان سخن مي گوييم/ چه جاي طعام خوردن كه سخن گفتن هم نمي داني: يعني غذا خوردن كه بلد نيستي هيچ، سخن گفتن هم بلد نيستي.

جُنيد باز به دنبال او رفت تا به او رسيد. بُهلول گفت: «تو از من چه مي خواهي؟ تو كه آداب طعام خوردن و سخن گفتن خود را نمي داني؟ باري، آداب خواييدن خود را مي داني؟» عرض كرد: «آري مي دانم»، پس آنچه آداب خواييدن بود كه از حضرت رسول (ص) رسيده بود، بيان كرد. بُهلول گفت: «فهميدم كه آداب خواييدن هم نمي داني». خواست برخيزد. جُنيد دامش بگرفت و گفت: «من نمي دانم تو از بهر خدا، مرا

بیاموز». بَهلول گفت: «تو دعوی دانایی می کردی، اکنون که به نادانی خود معترف شدی، تو را بیاموزم. بدان که اینها که تو گفتی همه فرع است و اصل در خوردن، آن است که لقمه حلال باید و اگر حرام را صد از این گونه آداب به جا بیاوری فایده ندارد و سبب تاریکی دل شود. در سخن گفتن نیز باید اول، دل، پاک باشد و نیت درست باشد و آن گفتن برای رضای خدا باشد و گرنه سکوت و خاموشی بهتر و نیکوتر باشد و در آداب خواب، اصل این است که در دل تو بغض و کینه و حسد مسلمانان نباشد و در ذکر حق باشی تا به خواب روی». **جُنید دست بَهلول را بوسید و او را دعا کرد.**

واژه‌های مهم: باری: به هر حال / آداب: شیوه‌ها و روش‌ها / از بهر خدا: به خاطر خدا / دعوی: ادعا / معترف شدی: اقرار کردی، اعتراف کردی / فرع: غیر اصل و غیر ضروری / نیت: قصد و انگیزه / بغض: در لغت یعنی گرفتگی گلو؛ اما در اصطلاح یعنی حسد و کینه داشتن / ذکر: یادآوری نام خدا.

نکته‌های ادبی: فرع و اصل: تضاد / حلال، حرام: تضاد / سبب تاریکی دل شود: کنایه از گمراهی / بغض، حسد و کینه: مراعات نظیر.

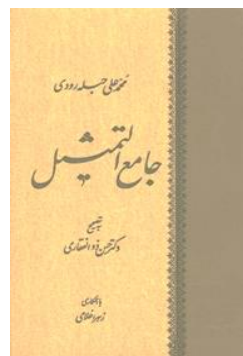
دانش زبانی: باری و آری: شبه جمله و هر کدام یک جمله کامل محسوب می‌شوند / تو را بیاموزم: را به معنای حرف اضافه (به) است و کلمه تو نقش متمم دارد / جنید دامنش بگرفت: نقش (ش) در دامنش مضاف‌الیه است که همراه با «دامن» مضاف آمده است / سکوت و خاموشی: مترادف هستند / بهتر و نیکوتر: صفت تفضیلی یا برتر / در ذکر حق باشی تا به خواب روی: روی در اصل به معنای بروی می‌باشد که مضارع التزامی است.

معنا و مفهوم عبارت‌های مهم: جنید دامنش بگرفت: یعنی جنید از او درخواست کمک کرد.

جامع التمثیل: اثر معروف محمد حبله‌رودی از نویسندگان بزرگ قرن یازدهم

هجری است و موضوع این کتاب درباره تمثیل‌ها و حکایت‌ها به ویژه حکایت‌هایی است که به صورت امثال درآمده‌اند.

جُنید بغدادی: ابوالقاسم بن محمد بن جنید، عارف معروف و عالم دینی که در قرن دوم و سوم می‌زیسته است. وی در بغداد به دنیا آمد و از کسانی است که درباره علم توحید در بغداد سخن گفته است.



بَهلول: از اشخاص دانا و آگاه معاصر هارون‌الرشید خلیفه عباسی بود. وی نسبت به مسائل اجتماعی خود دیدی انتقادی و طنزآمیز داشت.



علم و دانش و دستاوردهای جدید علمی، پیوسته چهرهٔ جهان و چگونگی زیست انسان را دگرگون می‌سازد. بشر به کمک عقل و استعداد خدادادی خویش، تلاش می‌کند تا ابزاری پدید آورد که رنج زندگی را کم کند و بر آسایش آن بیفزاید.

واژه‌های مهم: دستاورد: نتیجه / پیوسته: همیشه / استعداد: توانایی درونی / خدادادی: چیزی که از جانب خدا به کسی رسیده باشد.

نکته‌های ادبی: چهرهٔ جهان: تشخیص / رنج و آسایش: تضاد / کم کند و بیفزاید: تضاد.

دانش زبانی: چگونگی زیست انسان را دگرگون سازد: زیست در معنای مصدر (=زیستن) و زندگی است.

روزگاری چرتکه، چاپار، پیک، پرندهٔ نامه‌رسان و اُسْطُرلاب در جامعه و محیط زندگی اجتماعی نقش داشته‌اند. امروزه این ابزارها، کارایی ندارند. اکنون عصر چیرگی ماشین و رایانه و به طور کل، روزگار تسلط دستاوردهای علمی و فناورانه بر تار و پود زندگی بشر است. انسان، موجودی اجتماعی است و هر جامعه‌ای در سرزمین ویژه‌ای، دین، زبان، اخلاق، آداب و هنجارهای فرهنگی و سنت‌های اعتقادی، باورها و ارزش‌های خاصی دارد. افراد جامعه در برخوردها و داد و ستدها پایبند به آن اعتقادات و هنجارهای اخلاقی و آداب اجتماعی هستند.

واژه‌های مهم: چرتکه: وسیله‌ای که در روزگار گذشته برای شمارش اعداد از آن استفاده می‌کردند / چاپار: پیک، قاصد، نامه‌بر / اجتماعی: جمعی / فناوری: تکنولوژی / اُسْطُرلاب: ابزاری که دانشمندان علم ستاره‌شناسی در روزگار قدیم برای تعیین وضعیت ستارگان از آن استفاده می‌کردند / عصر: دوره / چیرگی: غلبه، پیروزی / رایانه: کامپیوتر / هنجار: روش، رفتار، قاعده، معیار / پایبند: مقید و مؤظف بودن.

نکته‌های ادبی: چرتکه، چاپار، پیک، پرنده نامه‌رسان و اُسْطُرلاب: مراعات نظیر / دین، زبان، اخلاق، آداب و هنجارهای فرهنگی، سنت‌های اعتقادی، باورها و ارزش‌ها: مراعات نظیر / داد و ستد: تضاد / تار و پود زندگی: ترکیبی اضافی است که در آن زندگی به یک فرش تشبیه شده که تار و پود را از آن قرض گرفته است و منظور از تار و پود زندگی، کل ابعاد زندگی است.

خانواده، کوچکترین بخش اجتماع است و برای خود، هنجار و حریم و قانون و آدابی دارد. اهل هر خانواده، متناسب با آن آداب و معیارهای اخلاقی، تربیت می‌شوند و حریم و حرمت یکدیگر و اجتماع را پاس می‌دارند. هر کس به آسانی نمی‌تواند حصار خانواده را فرو بریزد و وارد فضای پاک و امن آن بشود.

واژه‌های مهم: حریم: محدوده/ متناسب: هماهنگ/ معیار: واحد سنجش خوبی‌ها و بدی‌ها/ پاس می‌دارند: رعایت می‌کنند، نگهبانی می‌کنند/ حصار: محدوده، حریم/ فضا: محل اشغال چیزی.
نکته‌های ادبی: فرو بریزد: کنایه از خراب کردن/ پاک و امن: مراعات نظیر/ هنجار، حریم، قانون و آداب: مراعات نظیر دارند.

دانش زبانی: کوچک‌ترین: صفت عالی/ حریم و حرمت: هم‌خانواده.

یکی از آسیب‌های جدی جامعه ماشینی و آراسته به علم و فن، استفاده نابجا و نسنجیده از امکاناتی است که فراهم آمده است. گویی هر یک، ابزاری شده‌اند تا ما را از هویت اصلی خویش، دور سازند. شکستن شکوه و حرمت انسانی و کم‌رنگ شدن آداب و اخلاق، رهاورد تمدن ماشینی و علم‌زده غرب است.

واژه‌های مهم: آسیب: صدمه/ آراسته: تزیین شده/ نسنجیده: حساب نشده/ ابزار: وسیله/ هویت: شخصیت، ذات، کیستی/ شکوه: عظمت/ حرمت: حریم/ رهاورد: ارمغان، هدیه و مخفف «راه‌آورد».
نکته‌های ادبی: کم‌رنگ شدن آداب و اخلاق: کنایه از بی‌احترام و بی‌ارزش شدن و از دست رفتن جلوه چیزی.

رایانه، اینترنت، تلفن همراه و دیگر تولیدات علمی، از مظاهر آفرینش‌گری انسان، این بنده ضعیف خداوند است. اینترنت، پنجره‌ای است رو به جهان بیرون، پنجره‌ای باز به هر سمت و سو، که ممکن است منظره‌ای سرسبز و روح‌انگیز از جلوه جمال پروردگار را نشان دهد یا فضایی طوفان خیز و پر گل و لای را پیش چشم آورد و بوی ناخوش آن، فضای ذهن شما را فرا بگیرد.

واژه‌های مهم: رایانه: کامپیوتر/ مظاهر: نشانه‌ها، جمع کلمه مظهر/ آفرینش‌گری: ایجاد کردن/ جلوه جمال پروردگار: از نشانه‌های زیبایی خداوند/ روح‌انگیز: فرح‌بخش، شادی‌آور/ فراگیر: دربرگیرند.
نکته‌های ادبی: رایانه، اینترنت، تلفن همراه: مراعات نظیر/ اینترنت پنجره‌ای است رو به جهان بیرون، پنجره‌ای است باز به هر سمت و سو: تشبیه دارد اینترنت: مشبه، پنجره: مشبه‌به، باز به هر سمت و سو: وجه‌شبه، ادات تشبیه آن حذف شده است/ فضایی طوفان‌خیز: منظور صفحاتی از اینترنت است که تصاویر ناپهنجار دارند و پر از زشتی‌ها و بدی‌ها هستند.

علم و فن و همه آنچه از رهاورد دانش بشری، پدید می‌آیند، زمانی مفیدند که در راه خدمت به پیشرفت خلق خدا به کار گرفته شوند و انسان را در مسیر کمال و رسیدن به اخلاق متعالی، کمک کنند، وگرنه ابزاری برای به‌پوچی و نابودی کشاندن بشر به شمار می‌آیند و سبب غفلت و اسارت انسان می‌شوند.

واژه‌های مهم: فن: حرفه/ رهاورد: ارمغان، سوغات/ کمال: راه رسیدن به پیشرفت/ متعالی: بلند مرتبگی/ غفلت: بی‌خبری، ناآگاهی، گمراهی/ اسارت: اسیر بودن، گرفتاری، بندگی.

دانش زبانی: پوچی و نابودی: مترادف هستند/ زمانی مفیدند: مفید نقش مسند دارد؛ یعنی مفید هستند.

امروزه که دشمنان این ملت، از راه این ابزارها، جنگ نرم را بی‌هیاو آغاز کرده‌اند تا غوغایی بیافرینند، اگر کاربران اینترنت و فناوری جدید و اخلاق علمی و فضایل انسانی، آراسته نشوند و حریم قانون و دین و هنجارهای اخلاقی، فرهنگی و آداب جوانمردی را رعایت نکنند، این ابزارها همچون بمب ویرانگری خواهند شد در هر خانواده؛ بنابراین، اخلاق رایانه‌ای یا فناوریانه، بیانگر پابندی ما به اخلاق فردی و ارزش‌های اجتماعی و رعایت حقوق دیگران است.



فریدون اکبری شلدره

واژه‌های مهم: جنگ نرم: جنگی که در آن از ابزار جنگی استفاده نمی‌شود/ بی‌هیاو: بدون سر و صدا/ غوغا: آشوب و سر و صدا/ کاربران: استفاده کنندگان/ فضایل: جمع فضیلت، برتری‌های اخلاقی/ آراسته: زینت داده شده/ هنجار: روش، رفتار/ اخلاق رایانه‌ای: درست استفاده کردن از فناوری و رایانه/ پابندی: مقید و موظف بودن/ حقوق: جمع حق.

نکته‌های ادبی: بی‌هیاو و غوغا: تضاد/ این ابزارها همچون بمب ویرانگری خواهند شد: تشبیه دارد ابزارها: مشبه، همچون: ادات تشبیه، بمب: مشبه‌به، ویرانگری: وجه‌شبهه.

دانش زبانی و ادبی

۱. دانش زبانی

گروه اسمی

به جمله‌های زیر توجه کنید.

مرد توانگر، ثروتش را به نیازمندان بخشید.

محمد، خانه جدیدش را ساخت.

پسرک، شیرینی را به خواهر کوچکش داد.

اجزای جمله‌های بالا در جدول زیر آمده است.

نهاد	مفعول	نشانه مفعول	نشانه متمم	متمم	فعل
مرد توانگر	ثروتش	را	به	نیازمندان	بخشید
محمد	خانه جدیدش	را	-	-	ساخت
پسرک	شیرینی	را	به	خواهر کوچکش	داد

آموختیم که یکی از ارکان جمله، گروه اسمی است. گروه اسمی می‌تواند یک کلمه یا بیشتر باشد. در جملات بالا برخی از اسم‌ها که در جایگاه نهاد، مفعول و متمم به کار رفته‌اند گسترش یافته‌اند. در جمله اول، اسم (مرد) با واژه (توانگر) همراه شده است. مهم‌ترین جزء گروه اسمی، هسته آن است. هسته گروه،

همان اسمی است که کلمه‌ها یا بخش‌های دیگر به آن افزوده می‌شوند. در نمونهٔ زیر، هسته به خوبی نشان داده شده است.

گل / این گل / این گل خوشبو / این گل خوشبوی زیبا.

۲. دانش ادبی:

آرایه کنایه: یعنی عبارتی که در ظاهر، یک معنی و در باطن، معنای دیگری دارد و در کنایه معنای دوم و دور مورد نظر است؛ مثل: ناخن خشک که دو معنای دور و نزدیک دارد؛ معنای نزدیک و ظاهری آن خشک بودن ناخن است که مورد نظر نیست؛ اما معنای دور آن خسیس بودن شخص است که همین معنا مورد نظر است.

نکته: در برخی از کلمات نشانهٔ «مد» (~) به کار می‌رود مانند: درآمد، آداب، الآن، قرآن، خوش‌آواز و این کلمات و کلمات مشابه آنها را باید شناخت و به کاربرد نشانهٔ «مد» (~) در آنها توجه داشت. به کار نبردن نشانهٔ «مد» در این گونه واژه‌ها، ابهام و اشکال ایجاد می‌کند مانند: مانند مال‌اندیش (عاقبت‌اندیش) مال‌اندیش (ثروت دوست). در دسته دیگر از کلمات نیز از گذاشتن نشانه مد بر روی آنها باید پرهیز کرد مانند: فرایند (فرآیند)، پیشامد (پیش‌آمد)، دلارام (دلآرام)، همایش (هم‌آیش). کلماتی که داخل پرانتز هستند، نباید نشانهٔ «مد» بر روی آنها گذاشته شود.

هر حکایت، دربردارنده یک یا چند پیام و هدف است. هدف از آوردن این حکایت، همان‌طور که از عنوان آن (خودشناسی) پیداست، بر شناخت درست از خویش تأکید دارد و نیز مغرور نشدن در زندگی. اگر در زندگی به موفقیت‌هایی دست یافتیم فوری مغرور نشویم؛ بلکه باید از صاحب اصلی آن موفقیت و نعمت‌ها تشکر و سپاسگزاری کنیم.

حکایت

خودشناسی

وقتی جولاهه‌ای به وزارت رسیده بود. هر روز بامداد برخاستی و کلید برداشتی و در خانه باز کردی و تنها در آنجا شدی و ساعتی در آنجا بودی. پس برون آمدی و به نزدیک امیر رفتی. امیر را خبر دادند که او چه می‌کند. امیر را خاطر به آن شد تا در آن خانه چیست؟ روزی ناگاه از پس وزیر بدان خانه در شد. گودالی دید در آن خانه چنان که جولاهگان را باشد. وزیر را دید پای بدان گودال فرو کرده. امیر او را گفت که این چیست؟ وزیر گفت یا امیر، این همه دولت که مرا هست، همه از امیر است. ما ابتدای خویش فراموش نکرده‌ایم که ما این بودیم. هر روز زندگی گذشته خود را به یاد می‌آورم. تا خود به غلط نیفتم. امیر انگشتی از انگشت بیرون کرد و گفت بگیر و در انگشت کن. تاکنون وزیر بودی، اکنون امیری.

اسرارالتوحید، محمد بن منور

واژه‌های مهم: جولاهه: بافنده / بامداد: صبح / برخاستی: بلند می‌شد / در آنجا شدی: به آنجا وارد می‌شد / ساعتی: یک ساعت / بودی: می‌ماند / برون آمدی: بیرون می‌آمد / نزدیک: پیش / امیر را: به امیر / خاطر به آن شد: به فکرش افتاد / در پس: به دنبال / در شد: وارد شد / چنان که جولاهگان را باشد: آن گونه که لازمه شغل بافندگان است / دولت: خوشبختی / مرا هست: دارم / ابتدای خویش: گذشته خود / به غلط نیفتم: اشتباه نکنم.

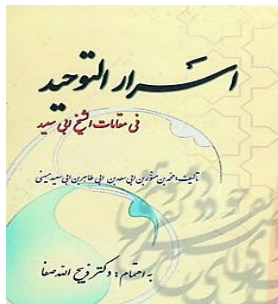
معنی حکایت

وقتی (زمانی) بافنده‌ای به مقام وزیری رسیده بود، هر روز صبح زود از خواب برمی‌خواست، کلید را برمی‌داشت و در خانه را باز می‌کرد و تنها، ساعتی در آنجا می‌ماند. بعد بیرون می‌آمد و نزد پادشاه می‌رفت. شخصی به امیر خبر داد که وزیر این کار را انجام می‌دهد. برای امیر سؤال پیش آمد که چرا این کار را انجام می‌دهد و در آن خانه چیست؟ روزی بی‌خبر بعد از وزیر وارد خانه شد. گودالی دید مثل گودالی که بافندگان دارند. وزیر را دید که درون گودال نشسته است. پادشاه پرسید این چیست؟ و چرا این کار را انجام می‌دهی؟ وزیر گفت: «این مقامی که اکنون برای من است همه از پادشاهی چون شماس است. من گذشته خود را فراموش نکرده‌ام که قبلاً چه بودم و به چه رسیده‌ام. گذشته خود را یاد می‌کنم تا راه اشتباه را نروم.

امیر انگشترش را از انگشت بیرون آورد» و گفت: «در انگشت فرو کن تا حالا وزیر بودی، از این به بعد پادشاه هستی».

نکته: در متن حکایت، کاربرد ماضی استمراری کهن را داریم: «آمدی» به جای «می‌آمد»/ برداشتی به جای برمی‌داشت/ باز کردی به جای باز می‌کرد و ... همچنین تحول معنایی در عبارت: (به غلط نیفتیم) به معنای به اشتباه نیفتادن و اشتباه نکردن است؛ در حالی که امروزه به معنی عذرخواهی کردن است. نیز تحول معنایی در کلمه «دولت» به معنای خوشبختی و سعادت است که امروزه به معنای مجموعه و هیئتی است که کشور را اداره می‌کند.

اسرار التوحید



کتابی است تألیف محمدبن منور در شرح حال و سخنان ابوسعید ابوالخیر. محمدبن منور یکی از نوادگان ابوسعید است که در قرن ۶ هجری قمری این کتاب را تألیف کرده است.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir